

رابطه علم با قرآن چگونه است

رئیس پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن به بررسی مفهوم‌شناسی رابطه علم با قرآن کریم پرداخت و گفت:



رئیس پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن به بررسی مفهوم‌شناسی رابطه علم با قرآن کریم پرداخت و گفت: برخی از افراد هستند که ارتباط بین علم و دین را جایز نمی‌دانند اما با توجه به اینکه قرآن برای هدایت انسان‌ها آمده است، این هدایت عرصه‌های گوناگونی دارد که یکی از آنها، هدایت در عرصه علم و دانش است.

رابطه علم با قرآن چگونه است؟ گزارش اینکنا از خراسان رضوی، حجت الاسلام والمسلمین محمداصادق یوسفی مقدم، رئیس پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، شامگاه ۱۲ اسفندماه در همایش مرجعیت قرآن کریم که به صورت مجازی برگزار شد در خصوص مفهوم‌شناسی رابطه علم با قرآن، اظهار کرد: یکی از موضوعات مهمی که امروز مورد توجه دانشمندان و عالمان دین قرار گرفته است بحث رابطه قرآن و علم است. توجه داریم که قرآن کریم کتابی است که براساس نصوص بسیار فراوانی که در قرآن وجود دارد، ارتباط بین علم و دین را جایز نمی‌داند و با توجه به اینکه قرآن برای هدایت انسان‌ها آمده است، این هدایت عرصه‌های گوناگونی دارد که یکی از این عرصه‌های هدایت، هدایت در عرصه علم و دانش است.

وی عنوان کرد: ما معتقدیم که قرآن کریم اطلاقاتی که دارد مانند اینکه از قرن کریم به عنوان فرقان یاد می‌شود، قرآن کریم بین حق و باطل برای ما تفکیک‌کننده می‌شود، این کتاب حق را تثبیت می‌کند و باطل را نیز از بین می‌برد، اختلاف را برطرف می‌کند و یا اینکه آیات شریفه قرآن کریم، قرآن را کتابی می‌داند که انسان را از ظلمت‌ها به نور هدایت می‌کند.

رئیس پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن بیان کرد: در حقیقت این آیات تنها به بحث ظلمت‌های مربوط به آنچه ما نسبت به امور اخروی نمی‌دانیم و ممکن است در ظلمت آن‌ها قرار بگیریم و غیره اختصاص ندارد بلکه قرآن از کتب آسمانی است که برای نظم زندگی دنیایی و سعادت ما در آخرت نازل شده است. لذا اطلاقات قرآن اقتضا می‌کند که هرچایی که موضوع حق و باطل است و مسئله اختلافی وجود دارد در آنجا قرآن باید برای ما حضور پیدا کند و نقش هدایتگری خود را برای ما مشخص کند.

یوسفی مقدم تصریح کرد: آیه اول سوره مبارکه ابراهیم، اطلاق به این دارد که هر جایی ظلمتی باشد آنجا قرآن کریم حضور دارد برای اینکه انسان و جامعه را از ظلمت‌ها نجات دهد و به سوی نور هدایت کند. این اطلاقاتی که در قرآن کریم وجود دارد شامل بحث رابطه علم و قرآن هم می‌شود یعنی در جایی که بحث ظلمت، حق و باطل در علوم وجود دارد نیز قرآن کریم نقش هدایتگری خود را باید ایفا کند.

وی عنوان کرد: موضوع علم و دین از موضوعات بسیار گسترده‌ای است و سال‌هاست که در خصوص این موضوعات گفت‌وگوهای صورت گرفته و روش‌های گوناگونی برای اینکه تعارض علم و دین را برطرف کنند بیان شده است.

وی، خاستگاه تعارض بین علم و دین را غرب دانست و عنوان کرد: با توجه به اینکه جریانات و تعارض بین کلیسا و دانشمندان از حدود قرن هفدهم به وجود آمد، به تدریج مسئله تعارض علم و دین شکل گرفت و از قرن هفدهم تا اوایل قرن بیستم این جریان به شدت ادامه پیدا کرد، به گونه‌ای که کلیسا و دین را به گوشه‌ای بردند و دیگر حضور و نقشی در جامعه ایفا نمی‌کرد و ساینتیسم و یا علم‌گرایی جایگاه دین را گرفت و طرفداران این حوزه معتقد بودند که آنچه که می‌تواند جامعه و نیازهای جامعه را تأمین کند علم است.

یوسفی مقدم اظهار کرد: مسئله دیگر نیز این است که در همان دوران افرادی بودند که حتی الهیات طبیعی را مطرح کرده بودند و تلاش می‌کردند که در عین حال که دین باشد اما قلمرو علم و دین را از یکدیگر تفکیک کنند و همین امر سبب شد که موضوع تفکیک قلمرو مطرح شود.

وی ادامه داد: این موضوع یک موضوع جدیدی نیست بلکه از همان زمان وجود داشته و تا جایی که شواهد نشان می‌دهد گالیله این قضیه را مطرح کرد که موضوع دین و علم از یکدیگر جدا هستند و هدف دین را نزدیکی به خدا و هدف علم را هم فهمیدن طرح جهان دانست و موارد دیگری از این دست را مطرح کرد.

رئیس پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن بیان کرد: دیدگاه دیگر نیز دیدگاه تعامل بود که در این دیدگاه افراد، علم و دین را از یکدیگر

قابل تفکیک دانستند اما گفتند که با این وجود باز هم می‌توانند در عرصه‌هایی با یکدیگر تعامل کنند و آنجایی که دین پرسش دارد علم به آن پاسخ دهد و آنجایی که علم پرسش‌هایی دارد دین به آن‌ها پاسخ دهد.

یوسفی مقدم بیان کرد: همچنین دیدگاه‌های دیگری هم وجود داشت از جمله دیدگاه وحدت و یکپارچگی که این دیدگاه علم و دین را با یکدیگر یکسان می‌داند و به سوی یک حقیقت در حرکت هستند، دیدگاه دیگر هم رابطه این دو مقوله را رابطه طولی نه عرضی می‌داند.

وی اظهار کرد: در بحث رابطه بین علم و قرآن به نظر می‌رسد که باید بین قرآن و علم در نسب اربعه ببینیم که چه نسبتی بین این دو وجود دارد. به عبارتی چون نسب اربعه حسب عقلی را بیان می‌کند، به نظر من ما در چارچوب رابطه بین علم و دین را مورد بررسی قرار دهیم و نمی‌توانیم به صورت یکجا بگوییم که رابطه‌ای که در ابزار معرفت و علم در موضوعات مربوط به معرفت و علم و همچنین در اهداف مربوط به علم و معرفت علم و قرآن وجود دارد یک رابطه تماماً تساوی و تقابل و یا عموم و خصوص مطلق و یا عموم و خصوص من وجه است، از این رو باید بین این موارد تفکیک قائل شد.

این پژوهشگر قرآنی تصریح کرد: آنچه که در قرآن وجود دارد این است که به علم می‌گوید که شما پائین را فراتر از آنجا که می‌توانی اظهار نظر کنی نگذار و در عرصه مقام اثبات می‌توانی سخن بگویی و در جهت تبیین علل نظام مادی و طبیعت سخن بگویی و آن‌ها را پیش بینی کنی اما اینکه بگویی آنچه هست همین ماده است دیگر در توان تو نیست.

یوسفی مقدم بیان کرد: بنابراین قرآن در نگاه علمی و تحقیقی که ما به ابزار معرفت و شناخت در قرآن کریم داریم و به آنچه که به عنوان ابزار معرفت و شناخت وجود دارد توجه می‌کنیم، می‌بینیم که قرآن نگاهی عام دارد و کشف حقیقت برای او اهمیت بیشتری دارد و فقط مسئله مشاهده و تجربه را محترم نمی‌داند، بلکه تمام ابزار معرفت را محترم می‌داند و به همه آن‌ها اعتبار بخشیده است.

وی اظهار کرد: پس رابطه بین قرآن و علم در ابزار شناخت رابطه‌ای است که می‌توان از آن به عنوان عموم خصوص مطلق یاد کرد و نمی‌توانیم در تمام عرصه‌ها این دو را به طور یکسان ببینیم، لذا باید موضوعات مورد بحث را متفاوت ببینیم. بنابراین قرآن کریم اصل تأثیرگذاری قرآن در علم به گونه‌ای که بیان شد، امر مسلمی است منتهی بحث در چگونگی رابطه قرآن و علم است که به تناسب موضوعات مورد بحث با یکدیگر تفاوت پیدا کند. هنجارسازی اجتماعی در قرآن

سیدمحسن میرسندهی، استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، در ادامه در خصوص هنجارسازی اجتماعی در قرآن کریم اظهار کرد: اهمیت بحث از این جهت است که تمام پیامبرانی که مبعوث شدند، متناسب با ابعاد رسالت و مأموریت خود در پی اشاعه پیام‌های الهی و وحیانی بودند و این پیام‌ها و آموزه‌ها مادامی که به شکل هنجار و عمل در جامعه درآید عملاً عقیم خواهد بود.

وی عنوان کرد: ایده اصلی این بحث در واقع از استقرار و ثبات ارزش‌ها و هنجارهای متعالی و مطلوب در یک جامعه و توجهات قرآن کریم به این مهم شکل گرفته است که در قرآن کریم چه شواهدی را برای این می‌توان پیدا کرد و چه زمینه‌هایی می‌توان در قرآن برای این بحث الهام گرفت.

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با اشاره به چارچوب مفهومی بحث خود اظهار کرد: مفهوم فرهنگ یکی از چارچوب‌های مفهومی این بحث است که از دیدگاه هنجاری، فرهنگ چیزی جز شیوه‌های تفکر، احساس و عمل نیست. به گونه‌ای که تعداد بسیاری از افراد را در برگرفته باشد. هنجار اجتماعی در این بیان دو خصلت بنیادی دارد. ویژگی اول این است که نسبت به افراد جنبه بیرونی دارد و قوامشان به افراد نیست بلکه به جمع زیادی از افراد است که به آن‌ها عمل می‌کنند و دومین ویژگی مهم نیز این است که این هنجارها درجه‌ای از فشار را به کنشگران و افراد جامعه القا می‌کنند.

میرسندهی بیان کرد: اگر بخواهیم سه ویژگی برای هنجار اجتماعی به عنوان الگوهای توافقی و تثبیت شده نام ببریم، می‌توانیم از قاعده و استاندارد رفتار اجتماعی، رعایت کردن اکثریت و مجازات رسمی و غیر رسمی؛ یاد کنیم. بنابراین ارزش‌های هنجاری نیز از این منظر، انعکاس هنجارهای اجتماعی در زندگی مردم است. در حقیقت آن دسته از هنجارهای اجتماعی که جنبه ذهنی دارد را می‌توان به شکل عینی در رفتارها شاهد بود.

وی در پایان گفت: سه رکن اصلی در عوامل و شرایط هنجارسازی وجود دارد که رکن اول مربوط به کارگزاران هنجار است و ویژگی‌هایی که آن‌ها باید داشته باشند، رکن دوم هم‌بستگی‌های هنجار و رکن سوم نیز گروه‌های هنجار است. در واقع یک نوع

موفقیت هنجارسازی منوط به این است که به طور نسبی برخی از این سه رکن حضور داشته باشند.